

اندیشه اصلاح نژاد

❦ بیماریهای خطرناک ارثی .
❦ مبارزه دنیای جدید با آنها !
❦ فکر عمیق اسلام !

هیستری، صرع، سیفلیس، پالودیسیم، سل و بسیاری دیگر از بیماریها هستند که معالجه آنها دشوار، و سرعت عبورشان در نسل بصورت شکست انگیزی انجام میگیرد. این بیماریها با ضایعاتی که در «اسپرما توزوئید» یا «اوول» ایجاد میکنند بنام: «Blastotomie» خوانده میشوند، میتوانند نژاد بیمار را تباہ و نسل او را در خطر قرار دهند .

پدر یا مادرا نیکه مبتلا با اینگونه بیماریهای خانه بر انداز هستند، در مقابل دهن کجی طبیعت با آنها، نه تنها خود معذب هستند و در زندگی رنج میبرند بلکه واسطه تکثیر نسل و تولید مثل ناخود آگاهانه برای خود نژادی تشکیل داده، و در میان اجتماع پراکنده میشوند .

ازدواج و تشکیل خانواده برای اینگونه افراد، درست یک ذرع مبارزه ایست با نظم اخلاقی و بهداشت اجتماع، زیرا گذشته از افراد معیوب و فاسد اخلاقی که از آنها بوجود میآید، بسیاری از این امراض عفونی هستند، و شیوع سریع آنها توسط میکروبهای آن بیماری، بهداشت و سلامتی اجتماع را در مخاطره قرار میدهد

شاید شما اعتراض کنید که ممکن است این بیماران دارای فرزندان باهوش و بتمام معنی سالم باشند .

تصدیق میکنم که چنین ایرادی جالب توجه است لکن آمارهایی که بدست آمده نشان میدهد که این فرض بندرت اتفاق افتاده، و هیچگاه نمیتوان باور کرد که

این بیماریها در نسل بدون اثر است .

برای نمونه ، آماری را که در سال ۱۹۲۷م دکتر هویر (Dr. Hevire) مدیر بیماریهای روحی و عصبی اطفال در پاریس برای کشف علل ضعف عقل بعضی اطفال که موجب ارتکاب کارهای خلاف قانون و ولگردی آنان شده بود، بدست آورده ، در اینجا نقل میکنیم وی در صدد تحقیق برآمد و دریافت که از ۶۷۱ طفل ولگرد که مورد آزمایش قرار داده ۴۲۵ نفر آنها از عوامل سوء ارثی بقرار ذیل برخوردار بودند :

سیفلیس ارثی محقق ۸۳ نفر

سیفلیس ارثی تقریباً محقق ۹۰

سیفلیس ارثی مشکوک ۹۷

بیماریهای روحی و عصبی ارثی ۹۲

الکلیسم ۴۱

سل والدین ۲۲ (۱)

کسانی که طرفدار اصلاح نژاد و خواهان مصونیت اجتماع از این آلودگیها هستند با تفکار خود پناه برده و در این باره نظریه‌های علمی ولی بی-اثر داده‌اند .

اینک مهمترین نظریه قرن حاضر از نظر خوانندگان میگردد :

بیمارزده دنیای جدید با آنها!

گفته‌یم که ازدواج و زناشویی این بیماران باعث تکثیر افراد معیوب و فاسد الاخلاق است در اجتماع، و از طرفی جلوگیری کردن از ازدواج این بیماران مشکلات دیگری ایجاد میکند، و فاسد بیشتری را بیارمیاورد . روی این حساب میگویند باید کاری کرد که این افراد در عین حالیکه ازدواج میکنند از تولید نسل آنها جلوگیری بعمل آید یعنی باید آنها را عقیم کرد!

عقیم کردن در مردان بوسیله قطع مجاری واسپرما توز وئید، و در زنان بوسیله قطع لوله تخمدانها انجام میگیرد ، بدین ترتیب اعمال تناسلی همچنان باقی

هستند فقط عمل تولید نسل حذف میشود .

مسئله عقیم کردن امروز در بسیاری از کشورهای متمدن دنیا بصورت قانون در آمده و يك راه رسمی برای تضمین سلامت اجتماع شمرده شده است ، در کشورهایی که ذیالانام برده میشوند این قانون بطور معمول اجراء میگردد .

در آلمان ؛ کسانیکه مبتلا بضعف فکری مادرزادی ، جنون متناوب ، صرع ارثی ؛ کوری یا کوری مادرزادی والکلیم هستند ، عقیم میشوند .

در دانمارک مبتلایان بضعف فکری مادرزادی ، مرتکبین اعمال خلاف اخلاقی (در صورتیکه این ارتکاب چند مرتبه تکرار شود) و مرتکبین اعمال تناسلی غیر طبیعی عقیم میشوند .

در فنلاند ، کسانیکه استطاعت داشتن اطفال را ندارند (برطبق تقاضای ایشان) مبتلایان به بیماریهای روحی و مرتکبین اعمال تناسلی غیر طبیعی عقیم میشوند .
در سوئد ، مبتلایان به بیماریهای روحی عقیم میشوند .

در آمریکای شمالی ، کسانیکه دو چارضعف دماغی شدید مادرزادی هستند (ابلهان) ، کسانیکه دو چارضعف دماغی متوسط هستند ؛ (کودنها) مبتلایان بصرع ؛ مرتکبین اعمال تناسلی غیر طبیعی و مرتکبین جنایات ، عقیم میشوند .

اکنون شما خواننده عزیز ممکن است پس از مطالعه این نظریه بیدرنک با تحریف و نادرستی آن پی برید من هم در این راه بشما کمک میکنم .

اولاً : يك خطر بزرگ این عمل اینست که در نتیجه جلوگیری از تولید نسل ، فساد اخلاقی شیوع مییابد و بیماریهای تناسلی زیاد میگردد .

ثانیاً : بیماران روحی خیلی کم ، تولید مثل میکنند . و گذشته از این اصولاً فرزندان آنان در سن کودکی تلف میشوند ، چنانکه در يك آمار دیده میشود که : از هزار نفر طفل مبتلا به بیماریهای روحی فقط ۲۷۴ نفر بسن بلوغ رسیده اند .

ثالثاً : پس از عقیم نمودن اگر آنها را آزاد بگذارند از شیوع امراض عفونی جلوگیری نشده ، و اگر آنها را در تیمارستانها نگهداری کنند عمل عقیم کردن بیهوده بوده است .

رابعاً : با عقیم کردن این بیماران يك بحران روحی شدید در آنها ایجاد میشود ، زیرا هر چه باشد آنها هم انسان هستند ، و غریزه محبت و علاقه بکودک در آنها هم بطور ناخود آگاه وجود دارد ، عقیم کردن آنها درست آتشی است که قلب آنان را می گدازد ، و روح فرسوده شان را ظالمانه آزار می دهد .

گذشته از همه اینها چنانکه بررسی نشان می دهد تا کنون در این کشورها نه تنها نتیجه مثبتی از این عمل گرفته نشده بلکه اینگونه بیماریها با سرعت عجیبی شیوع و انتشار می یابد ، تعداد بیشمار درمانگاههای روحی و شهرت علم روانکاوی ، و مبارزه با بیماریهای روانی شاهد زنده این مدعی هستند .

روزنامه اطلاعات ۴۵۲۲۸ در باره کثرت بیمار یها در کشورهای خارجی چنین خاطر نشان می کرد : فرانسویها و آمریکاییها بزرگترین مصرف کنندگان دارو در جهان هستند ، هر فرانسوی بطور متوسط سالی ۲۰۰۰ ریال پول دوامید دهد ! یعنی ۶۰ درصد بیشتر از آلمانیها ، انگلیسیها و بلژیکیها . ۷۰ درصد بیشتر از اتریشیها و اسپانیولیها .

حقیقت اینست که برای نجات اجتماع از آلودگی فساد نژاد با قانون عقیم کردن هرگز نمیتوان قدم مثبتی برداشت و با این روش خام سرو سامانی بدین وضع نامطلوب بخشید .

در اینجا اجازه می خواهم که بطور سریع ولی محققانه در مکتب عالی اسلام قدم نهاده کاوش کنیم : آیا اسلام در ضمن قوانین و دستورات حیات بخش خود در این موضوع برنامه دارد ؟ یا ، چنان بسکوت گذرانده و سخنی بمیان نیاورده است ؟ با عقیده باینکه اسلام حاوی دستورات جامع است و با تمدن هر زمان به پیش میرود ، بطور قطع باید گفت آری اسلام در این موضوع برنامه دارد ! اینک با دقت بیشتری بخوانید .

فکر عمیق اسلام!

بیماریهایی را که در طبقه مطالب خاطر نشان نمودیم میتوان تحت سه نوع کلی قرار داد : ۱- بیماریهای روانی ، ۲- بیماریهای عصبی ، ۳- بیماریهای عفونی .

بیماریهای روانی و عصبی - آنچنانکه روانکاوان عقیده دارند، انسان دارای امیال و غرائز، بیشماری است که بعضی از آنها ارضاء و کامیاب میشوند؛ اما بسیاری از آنها چون با فرهنگ و قوانین اجتماع و دستورات مذهبی هماهنگی ندارند سر کوفته میگردند، این امیال را روانکاوان **Refoulement** «امیال وا- پس زده» میخوانند.

هیچگاه نباید فکر کنیم که این امیال پس از آنکه سر کوفته و واپس زده شدند از بین خواهند رفت، زیرا آنها همچنان در وجودان ناخودآگاه، **inconsichce** انسان انباشته میشوند و عقده‌هایی را تولید میکنند. همین عقده‌ها هستند که مانند فنر بیکدیگر فشرده شده منفجر گردیده بیماریهای خانه برانداز روانی را بوجود میآورند.

روانکاوان معتقدند که انسان باید پیش از انفجار این عقده‌ها، امیال سر کوفته خود را در راههای مشروعی مانند: کار؛ بازی، تفریح، امید، ایمان، و... بکاربرد تا بدینوسیله آنها ارضاء و کامیاب شوند، این عمل را برای اولین بار فروید تصمید «**Subimierung**» نامید.

راههای مشروعی را که خاطر نشان ساختیم نقش مهمی را در پیشگیری از بیماریهای روانی بازی میکنند؛ بطور یقین باید گفت اگر این نیاز قهری بکار و تفریح و بازی و... نبود بیشتر افراد اجتماع دچار بیماری کامل روحی «جنون» میشدند.

کارل میننجر روانشناس آمریکائی در کتاب خود «عشق در برابر تنفر» (۱) چنین خاطر نشان میسازد: «هر گاه از لحاظ اقتصادی امکان داشت که از فردا هر فردی در آمریکا از نیمی از کار خود معاف گردد، بدون آنکه کاهش در درآمدش حاصل شود، ملت آمریکا بدون شك در خطر بیماریهای روانی قرار خواهند گرفت زیرا آنها نمیتوانند از فراغت خود استفاده کنند.

در اینجا اگر خوانندگان کمی بدستورات اسلام آشنائی داشته باشند فوراً خود میتوانند ببینند که اسلام هم برای پیشگیری از بیماریهای روانی بتمام این

اصول ازقرنها پیش عقیده داشته. برای نمونه همین کافیت که اسلام برای نظم برنامه روزانه، اوقات انسان را بسه قسمت تقسیم میکند و هر قسمت از ۲۴ ساعت شبانه روز را برای انجام عملی تعیین میکند: ساعت هائی را برای عبادت، ساعت هائی را برای کار و ساعت هائی را برای استراحت (۱)

این برنامه درست، اهی است برای پیشگیری از امراض عصبی و روحی، زیرا اصولاً این امراض در اثر بی نظمی در کار و یسا کار زیاد و خسته کننده و استراحت کم بوجود میآیند.

من متأسفم که در اینجا پیش از این نمیتوانم توضیحاتی بدهم و در باره هر يك از کار، تفریح، عبادت و... مطالبی را برشته تحریر در آورم زیرا این خود کتاب مفصلی را بوجود میآورد.

بیماریهای عفونی، ازقبیل: سل، پالودیسیم و سیفلیس در اثر عدم توجه به بهداشت بدنی حاصل میشوند و برای جلوگیری از این بیماریها باید بنظافت کاملاً توجه داشت و از هوای آزاد و غذای سالم استفاده کرد.

در میان دستورات اخلاقی اسلام بنظافت بدن، لباس، دهان و دندان اهمیت فراوانی داده شده و حتی بمادستور داده اند که قبل از غذا و فنی دستهای خود را بشوئید بمبادا بادستمال خشک کنید زیرا ممکن است دستمال آلوده بمیکرب باشد (۲)

راه هائی که برای پیشگیری از امراض روانی، عصبی و عفونی خاطر نشان ساختیم بخوبی میتواند سلاطه انسان را تضمین کنند، در عین حال اسلام باین موضوع نیز توجه دارد که اگر احیاناً افرادی بدین بیماریها گرفتار شدند، باید از آنها کنار گیری کرد، چنانکه همه میدانیم در باره اشخاص میخوار و الکلیسم اسلام دستور اکید میدهد که با آنها ناشوئی نکنید و حتی به بیمارانی از قبیل مجذوم و غیره که دارای بیماری مسری هستند نزدیک نشوید.

(۱) نهج البلاغه - جزء ۶ - شماره ۳۸۲

(۲) مکارم الاخلاق ص ۱۶۰